ادامه از صفحه اول

توسعه آموزش همگانی کلید مسئولیت‌پذیری اجتماعی

بر همین اساس رسانه‌ها، نهادها و مراکز متعددی برای آموزش فرد در کنار نهادهای دولتی شکل گرفته‌اند که در بستر زمانی و مکانی خاص خود به توسعه و ترویج آموزش‌های مختلف کمک می‌کنند. یکی از مهم‌ترین این نهادها که دارای تکلیف و کارکرد مشخص در کشور بوده «جمعیت هلال‌احمر» است که یک سازمان غیرانتفاعی و عضوی از نهضت بین‌المللی صلیب سرخ و هلال‌احمر جهانی است و در داخل کشور و در برخی موارد در دیگر مناطق جهان به فعالیت‌های امدادی و بشردوستانه مشغول است. هلال‌احمر طبق وظایف بین‌المللی خود، باید در مواقع بروز بحران‌هایی مانند سیل، زلزله، جنگ، بیماری و... به امدادرسانی و خروج مصدومان و قربانیان این حوادث کمک کند. اما تکلیف و عملکرد این جمعیت تنها به زمان بحران محدود نیست بلکه در مواقع غیربحرانی و غیراضطراری هم می‌توان گفت حتی کارکرد و وظیفه مهم‌تری برعهده دارد که همانا آماده‌کردن جامعه برای مواجهه با رویدادها و بحران‌هاست. مهم‌ترین رکن این آمادگی بر پایه «ترویج آموزش‌های همگانی» است که ضرورت اجرای آن براساس مقتضیات اجتماعی، محیطی و ژئوپلیتیکی کشور در دنیای امروز به‌شدت احساس می‌شود. باید تأکید کرد وضعیت کشور ما از نظر وقوع حوادث و بلایای طبیعی بسیار نگران‌کننده است و سالانه تعداد قابل‌توجهی از هم‌وطنانمان جان خود را براثر حوادث گوناگون یا بلایای طبیعی مانند سیل، زلزله و... از دست می‌دهند و در کنار آن متحمل هزینه‌های سنگین اقتصادی نیز هستیم. بررسی‌ها نشان می‌دهد در اکثر این حوادث و بلایا درصورتی‌که افراد، برخوردار از آموزش‌های ابتدایی برای کمک‌رساندن و نجات اطرافیان خود باشند، آمار خسارات کاهش می‌یابد که این موضوع ضرورت گسترش آموزش‌های همگانی و تخصصی‌شدن آن در قالب برنامه‌ای مدون که همه آحاد جامعه را پوشش دهد، نشان می‌دهد. در برنامه‌های کلان کشور مطابق اساسنامه مصوب مجلس شورای اسلامی، هلال‌احمر سه نقش اساسی شامل نقش اجرائی، نقش کمکی و مدافعه‌گری و مطالبه‌گری به نیابت از مردم را برعهده دارد. بر همین اساس جمعیت هلال‌احمر جمهوری اسلامی ایران در سال جاری تلاش کرده است با پیگیری دقیق این اهداف و با درنظرگرفتن اولویت‌های آموزشی، محورقراردادن مناطق آسیب‌خیز، توسعه آموزش‌ها به مناطق محروم، کم‌برخوردار، حاشیه‌ای و... طرح‌های ماندگاری را برای خدمت به مردم عرضه کند. از جمله مهم‌ترین آنها که فعالیت خود را نیز آغاز کرده‌اند، می‌توان به طرح ایجاد خانه‌های هلال، طرح آمران سلامت (با رویکرد پیشگیری و توانمندسازی اجتماعی در برابر اپیدمی کووید۱۹) و... اشاره کرد. در تمامی این فعالیت‌ها رکن آموزش براساس اعتقاد به گسترش مسئولیت‌پذیری اجتماعی و مدنی پیگیری می‌شود؛ چراکه باور بر این است آموزش صحیح موجب خلق شناخت و آگاهی در جامعه می‌شود و همین موضوع می‌تواند «مسئولیت‌پذیری» به‌عنوان حلقه مفقوده بسیاری از طرح‌های ناموفق اجتماعی قلمداد شود.

همان‌طورکه متفکران حوزه روان‌شناسی تأکید کرده‌اند، افراد برای برخورداری از احساسات بهتر نسبت به زندگی باید احساس مسئولیت‌پذیری داشته باشند. وجود شهروندانی بی‌تفاوت در برابر جامعه، ناشی از تربیت و آموزشی است که در آن احساس مسئولیت مطرح نبوده است. با اندکی تعمق می‌توان دریافت علت اصلی بسیاری از مشکلات و معضلات جامعه، ناشی از بی‌مسئولیتی یا فرار از مسئولیت و شانه خالی‌کردن از زیر بار تکلیف است و همان‌طورکه ذکر شد آموزش‌های گسترده اجتماعی، مهارتی و شناختی که به‌طورمستقیم موجب احساس مسئولیت‌پذیری در بین مردم می‌شود، باید به‌عنوان یک راه‌حل کلیدی و مهم مورد پیگیری جدی قرار گیرد.

هم‌اکنون و درحالی‌که بخش اعظمی از کشورهای جهان و به‌تبع آن کشور ما هم درگیر ویروس عالم‌گیر کرونا شده است و درحالی‌که تا این لحظه هیچ‌گونه راه‌حل درمانی قطعی برای بیماری یافت نشده است، متخصصان حوزه پزشکی بهترین راه‌حل را پیشگیری و رعایت نکات بهداشتی ذکر کرده‌اند. از آنجایی که روند طولانی حضور این بیماری و ابهام در چشم‌انداز پایان ویروس، مردم را با نوعی از خستگی روانی و بی‌تفاوتی در برابر تهدیدات بیماری مواجه کرده است، تأکید بر اصل ترویج آموزش‌های همگانی و متعاقب آن مسئولیت‌پذیری اجتماعی، می‌تواند کلید کنترل اپیدمی قرار گیرد.

جمعیت هلال‌احمر جمهوری اسلامی ایران براساس این رویکرد، با حضور هزاران امدادگر، داوطلب و پرسنل امدادی هم‌اکنون در سطح کشور مشغول به ارائه خدمات آموزشی و پیشگیری از بیماری در بین مردم هستند. برای پیشبرد این روند، خانه‌های هلال‌احمر به‌عنوان ساختار آموزشی-امدادی جدید در سطح محلات، مناطق دورافتاده، روستایی و کم‌برخودار مورد استفاده قرار گرفته که در این تجربه و چالش جدید با استقبال خوب مردم مواجه شده است. تلاش هلال‌احمر بر این است که در این شرایط ضمن ترویج آگاهی عمومی نسبت‌به وضعیت بحرانی و حمایت از اقشار کم‌برخوردار جامعه، همگان را به قبول مسئولیت و سهیم‌شدن در اقدامات فراگیر اجتماعی در مواجه با این فجایع اجتماعی فراخواند.

***رئیس جمعیت هلال‌احمر جمهوری اسلامی ایران**

گزارش اختصاصی «شرق» از رسیدن اجساد ۴ عضو خانواده پناهجوی ایرانی غرق‌شده در کانال مانش به کشور

۱-۵: بازگشت به وطن در تابوت

شهرزاد همتی: در هفته‌های گذشته تراژدی مرگ خانواده‌ای ایرانی در کانال مانش که به امید رسیدن به انگلیس و زندگی بهتر مهاجرت کرده بودند، تیتر رسانه‌های خارجی شد؛ خانواده‌ای پنج‌نفره که هرگز به مقصد نهایی نرسیدند و زودتر از آنچه فکرش را می‌کردند، به ایران بازگشتند. پیکر تعدادی از اعضای خانواده رسول ایران‌نژاد، در میان استقبال نزدیکان سیاه‌پوشش‌شان جمعه‌شب ساعت ۲۲:۴۰ دقیقه به ایران رسید. هرچند پیکر شیوا، رسول، آنیتا و آرمین، به ایران رسید اما دریای مانش، آرتین ۱۵ماهه را پس نداد تا تعداد مفقودان سردشتی این حادثه به سه نفر برسد. حالا سردشت همیشه چشم‌به‌راه کودکی است که خانواده‌اش در آرزوی زندگی بهتر او را از میان جنگل‌ها و کوه‌ها گذراند و به فرانسه رساند. سه‌ماه پیش بود که خانواده پنج‌نفره رسول زندگی‌شان را فروختند، به برادرها و خواهرهایشان از زندگی رنگین و بهتری گفتند که در انگلستان چشم‌انتظارشان بود. بسیاری از اقوام آنها، تجربه مهاجرت غیرقانونی را داشتند. دو خواهر شیوا مدت‌ها بود که در سوئیس و بلژیک زندگی می‌کردند و برادر کوچک‌تر شیوا هم چندماهی بود که در ترکیه مترصد فرصت برای پیوستن به خواهرانش بود. آنها هم برای اینکه بتوانند از کار فصلی، بی‌پولی و تلخ‌کامی نجات پیدا کنند، زندگی‌شان را فروختند و در یک چمدان کردند تا خوشبختی را به بچه‌هایشان هدیه بدهند. اما هیچ‌کس فکرش را هم نمی‌کرد که چهار نفر از آن پنج نفرِ پُرامید، سه ماه بعد در تابوت‌های سرد بازگردند. خانواده ایران‌نژاد فکرش را هم نمی‌کردند، آن‌قدر زود به استقبال برادر و زن‌برادر بیایند. آنها آمدند و عزیزانشان را به سردشت بردند. اما نه با تاج گل بر گردن و نه وقتی که آرتین را قلمدوش می‌کردند. خبری از آرتین نبود و آنها بنرهایی در دست داشتند که به جسدهای بی‌جان خوشامد می‌گفت و سراغ آرتین کوچک را می‌گرفت.

روایت یک رؤیای نیمه‌تمام

ساعت ۹:۳۰ شب فرودگاه امام خمینی مثل هیچ وقت دیگری نیست. صحنه شبیه یک نمایش است. سالن تازه روشن شده و پرده‌ها کنار می‌رود تا بازیگران یک تراژدی را اجرا کنند. روی صندلی‌ها تک‌وتوک آدم نشسته و به مانیتور پروازها نگاه می‌کنند. انگار در فرودگاه گرد مرگ پاشیده‌اند. مطابق تابلوی اعلانات، پرواز پاریس-تهران رأس ساعت ۲۲:۴۰ به زمین می‌نشیند. از دور می‌شود خانواده ایران‌نژاد را از هیبت‌شان شناخت. از شلوارهای محلی و لباس‌های سیاه و چشمان بهت‌زده و غمگینی که به سمت پروازهای ورودی می‌آیند. بدون گل و دوربین‌های روشن... با دست‌های خالی که پشت‌سرشان گره شده و چشم‌هایی که دقیقا نمی‌دانند کجا باید جنازه عزیزانشان را تحویل بگیرند.

علی برادر ارشد رسول است. او به همراه عموزاده‌ها و چند نفر از دوستان خانوادگی برای این استقبال آمده است. می‌گوید کم‌کم از همشهریانش که ساکن تهران هستند، به جمع ملحق می‌شوند. جنازه‌ها که به تهران برسد، مستقیم سوار آمبولانس می‌شوند و به سردشت می‌روند تا روز بعد، چهارنفری را که به وطن رسیده‌اند، تحویل خاک دهند. علی عصبی است و مستقیم به چشم‌هایم نگاه نمی‌کند. چرا رفتند؟ این سؤال را من می‌پرسم و او می‌گوید: «کار نبود. شهرهای مرزی وضعیت بدی دارند. سردشت هم سال‌هاست اوضاعش خراب است. رسول کارگر بود. برای کارگر یک روز کار هست و یک روز نیست. خواهرزن‌هایش همین‌طور قاچاقی رفته بودند. خانواده همسرش پیشنهاد دادند تا رسول جمع کند و برود. یک خانه داشت، انتهای سردشت. فروخت ۱۱۵ میلیون تومان. ما هم تاجایی که می‌شد هرچه داشتیم فروختیم و پول کردیم تا رسول برود پی خوشبختی‌اش و بعد پول‌هایمان را پس بدهد. جان به لبش رسیده بود. این یکی، دو ساله خیلی از جوان‌های سردشت دل کندند و رفتند». از علی می‌پرسم شما موافق رفتنش بودید؟ می‌گوید: «نه. می‌گفتیم خطر دارد. بچه کوچک داری و نرو. اما رسول دیگر طاقت نداشت. می‌خواست برود زندگی بسازد. رسول، خانمش را خیلی دوست داشت و می‌خواست خانواده‌اش راضی باشند. می‌خواستند به انگلستان بروند، چون هم فرانسه سخت اقامت می‌دهد و هم ارزش پول انگلستان بیشتر است». به گفته آنها خانواده ایران‌نژاد تنها قربانیان تراژدی کانال مانش نبودند. روزی که آنها دل به دریا می‌زنند و تصمیم می‌گیرند از فرانسه به مقصد نهایی‌شان یعنی انگلستان بروند، با ۱۸ نفر دیگر سوار بر قایق می‌شوند که اکثریت آنها ایرانی، سوری و عراقی بودند. آنها پول جلیقه نجات را هم پرداخته بودند و برای هر مسافر، قاچاق‌بر مبلغی بالغ‌بر هشت هزار دلار گرفته بود. اما خبری از جلیقه نجات نبود. یکی از مسافران قایق که ایرانی بوده، تقبل می‌کند که به‌جای سکان‌دار قایق بنشیند و بعد قایقی که ظرفیتش تنها ۱۲ نفر بوده راهی مقصد می‌شود و به‌دلیل بالابودن تعداد مسافران غرق می‌شود. اول آرتین و شیوا و آنیتا و آرمین می‌افتند و بعد پدر که می‌بیند زندگی‌اش در آب است، خودش را به آب می‌زند و از غم سکته می‌کند. دو سردشتی دیگر به غیر از آرتین جنازه‌شان دیگر پیدا نمی‌شود. شورش سوری ۳۸ساله و یوسف خضری هم مسافران دیگر این قایق بودند که مثل آرتین دریا جنازه‌شان را پس نمی‌دهد و حالا آنها باخبر شده‌اند که عملیات جست‌وجو مدتی است که متوقف شده.

علی می‌گوید برادر شیوا هم چهار ماهی بود که در ترکیه منتظر مساعدشدن اوضاع برای رفتن بود که حالا با مرگ اعضای خانواده‌اش به ایران برگشته است.

عکس‌ها: شهرزاد همتی، شرق

ماجرای بازگشت اجساد

در تماسی که در ابتدای وقوع این حادثه، خبرنگار روزنامه «شرق» با خانواده ایران‌نژاد گرفت، مشخص شد به آنها گفته‌اند که هزینه انتقال اجساد عزیزان‌شان به ایران حدود ۳۰۰ میلیون تومان می‌شود؛ خبری که باعث شد جمعی از سازمان‌های مردم‌نهاد از یک‌سو و وزارت خارجه هم از سوی دیگر داوطلب انتقال پیکرها به ایران شوند. به گفته علی ایران‌نژاد، هزینه رساندن اجساد از دانکرک به پاریس و تابوت و کفن را وزارت مسکن و شهرسازی و سفارت ایران در فرانسه متقبل می‌شوند و هزینه انتقال اجساد تا ایران را هواپیمایی ایران‌ایر تقبل می‌کند و رسول و خانواده‌اش بدون آرتین میهمان افتخاری ایران‌ایر می‌شوند.

علی هنوز هم از رسانه‌های داخلی گله‌مند است. هیوکار، پسرعموی علی، عکسی از صفحه یک رسانه‌های فرانسوی نشان می‌دهد و می‌گوید: «اما عزیزان ما عکس یک هیچ‌کدام از روزنامه‌های داخلی نشدند و اینجا هم کسی از خبرنگاران نیست...».

۴۸ ساعت پیش از آمدن اجساد به ایران، به خانواده‌شان خبر می‌دهند که خودشان را آماده کنند و باید خودشان آمبولانس را خبر کنند. آنها برای بردن چهار جسد، دو آمبولانس می‌گیرند و شش میلیون تومان پرداخت می‌کنند. می‌گویند که نمی‌خواهند اجساد به بهشت زهرا برود و شبانه به سردشت منتقل می‌شوند و آنجا مطابق آیین اهل سنت تغسیل و تکفین شده و سپس به خاک سپرده می‌شوند.

در ۵ ماه ۱۰۰۰ نفر مهاجرت کردند

کمال حسین‌پور، نماینده مردم سردشت در مجلس، در تاریخ ۱۰ آبان در گفت‌وگویی از مهاجرت بیش از هزار جوان سردشتی در پنج ماه اخیر خبر داده بود. به گفته حسین‌پور، این موضوع از حدود پنج ماه پیش در سردشت شروع شده است؛ تا جایی که تاکنون بیش از هزار نفر از مردان و زنان جوان سردشتی از کشور مهاجرت کرده‌اند. بیشتر این مهاجران را مردان و حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد را افرادی تشکیل داده‌اند که به‌صورت خانوادگی اقدام به مهاجرت کرده‌اند. او با بیان اینکه در شهرک صنعتی شهرستان سردشت حتی دو کارخانه صنعتی هم فعال نیستند و میزان فعالیت صنعتی در این شهر صِفر است، ادامه داد: از نظر کشاورزی نیز این شهرستان دارای پوشش جنگلی است که باعث می‌شود مردم امکان کشاورزی نداشته باشند. نماینده مردم سردشت و پیرانشهر عنوان کرده است: جوانان از یک سن به بعد باید مستقل شوند و تشکیل خانواده بدهند و برای تأمین معاش خانواده و تشکیل زندگی به کار نیاز دارند؛ درحالی‌که سردشت نه صنعت دارد و نه کشاورزی و هیچ شغلی وجود ندارد. اینها همه در حالی است که سردشت اولین شهر شیمیایی جهان بوده و درحال‌حاضر هم چهار هزار جانباز شیمیایی در آن زندگی می‌کنند، اما به اشتغال و معیشت مردم این شهر کمترین توجهی نشده است.

عثمان مزین، وکیل دادگستری، در گفت‌وگو با «شرق» در پاسخ به این پرسش که دلیل این حجم از مهاجرت که در ماه‌های اخیر اتفاق افتاده چیست، می‌گوید: «سردشت شهری مرزی و کشاورزی آن کاملا سنتی است و غالب درآمد مردم به مرز وابسته است؛ اما در چند سال اخیر، با بستن بازارچه‌های مرزی، عملا مردم از این درآمد بی‌بهره شده‌اند. چند معبر غیررسمی وجود داشت که مردم سردشت در مسیرهای بسیار خطرناک، کالایی را حمل‌ونقل می‌کردند و به کولبری مشغول بودند و حالا شاهد سخت‌گیری‌های مأموران به کولبران در این مناطق هستیم؛ بنابراین مردم درآمد معابر غیررسمی را از دست داده‌اند. متأسفانه در سردشت بی‌کاری فزاینده‌ای وجود دارد. سرانه درآمد بسیار پایین است و مردم چاره‌ای جز کارهای فصلی در مزارع شهرهای دیگر مثل کرمانشاه و همدان یا کار فصلی در تهران و بردن بار به سیستان‌وبلوچستان ندارند. این وضعیت در سردشت در دو سال اخیر شدید شده و بالطبع خیلی از افراد از سال گذشته شروع به مهاجرت کردند و افراد زیادی در راه هستند؛ افرادی منتظر تعیین وضعیت هستند و خیلی‌ها هم تصمیم قطعی برای رفتن گرفته‌اند. از مرداد تا امروز نزدیک به هزار نفر که غالبا جوان و مرد هستند، راهی اروپا شدند».

او در پاسخ به این پرسش که در حال حاضر خانواده ایران‌نژاد درباره مرگ عزیزانشان چگونه می‌توانند پیگیری حقوقی داشته باشند، گفت: «متأسفانه دولت‌ها در کشورهای جهان سوم، مسئولیتی در قبال تأمین معیشت، مسکن، آموزش رایگان و حداقل قوت‌لایموت ندارند و بنابراین وقتی دولت مسئولیتی ندارد و خود را نسبت به شهروندان پاسخ‌گو نمی‌داند، بالطبع اگر شهروندی راه مهاجرت در پیش بگیرد، دولت از خود سلب مسئولیت می‌کند. اما از حیث قواعد و مسئولیت‌های دولت، باید این مسئله بررسی شود که چرا بر شهروندان چنان عرصه تنگ می‌شود که حاضر می‌شوند وطن خود را ترک کنند. دولت از این حیث که نیازهای آنها را مورد توجه قرار نداده و به‌طور غیرمستقیم عامل کوچ این افراد شده است، مسئولیت دارد». او درباره اینکه آیا خانواده ایران‌نژاد درباره مسئولیت کشور فرانسه در قبال مرگ خانواده خود می‌توانند دعوای حقوقی داشته باشند نیز گفت: «مسئولیت دولت‌کشورهایی که افراد به آنها مهاجرت می‌کنند و کشورهای مهاجرپذیر هستند، از زمانی شروع می‌شود که مهاجر خود را تحویل می‌دهد و مدارکش را تسلیم کشور مقصد می‌کند .از این حیث شاید نشود دولت فرانسه را به‌صورت آشکار مسئول دانست. اما از این منظر که در جریان خیل عظیم حرکت مهاجران بوده است و باید حداقل تغذیه آنها و سرپناهی برایشان تأمین می‌کرد و سازمان‌های مرتبط را دخیل می‌کرد و از این مسئولیت سر باز زده است و هزینه‌های زندگی این خانواده را به‌قدری تحت فشار قرار داده که ترجیح داده‌اند از طریق دریا به کشور مقصد برسند و در قبال جان افرادی که در خطر ازبین‌رفتن هستند هیچ احساس مسئولیت نکرده، می‌شود آنها را مقصر دانست».

او در پاسخ به این پرسش که آیا خانواده ایران‌نژاد را تشویق به پیگیری حقوقی می‌کنید، گفت: «این مسئله بسیار گسترده است و صرف‌نظر از حق شخصی آن خانواده و اینکه چیزی عاید خانواده ایران‌نژاد می‌شود یا نه، برای اینکه عده زیادی در فکر مهاجرت هستند، باید پیگیری بشود و امیدوار بود که کشورهای در مسیر مهاجران از کشور مبدأ تا کشور مقصد نسبت به جان آنها احساس مسئولیت کنند و از مرگ و در دام قاچاقچی افتادن این افراد جلوگیری شود، من انتظار دارم آنها این مسئله را پیگیری کنند».

در وطن خویش غریب

پرواز رأس ساعت به زمین می‌نشیند، اما خانواده ایران‌نژاد تا تحویل‌گرفتن اجساد راه زیادی در پیش دارند. اول برای ارائه مدارک و تحویل‌گرفتن گواهی فوت و روال اداری به پایانه هوشمند باربری مراجعه می‌کنند. کم‌کم فامیل و آشنایانی که در تهران هستند، می‌رسند و در تماس با خانواده برای استقبال از اجساد، به در شماره پایانه هوشمند می‌روند. بعد از ارائه مدارک از پایانه هوشمند به مرکز قرنطینه انسانی و تحویل مدارک، حوالی ساعت چهار صبح آمبولانس‌ها جلوی در شماره ۲ می‌رسند. علی، هیوکار، سلام و عمر برای تحویل اجساد داخل پایانه می‌شوند. آنهایی که بیرون ایستاده‌اند، بنرها را روی آمبولانس‌ها نصب می‌کنند. عکس خوشحال و بی‌خیال خانواده پنج‌نفره روی آمبولانس نقش می‌بندد. حالا همه‌چیز برای آمدنشان آماده است. روی آمبولانس‌ها به زبان کردی نوشته شده به وطن خوش آمدید. دور تا دور عکس‌ها ابیاتی کردی نوشته است. از یکی از اقوام می‌خواهیم نوشته‌ها را برایمان معنا کنند. ترجمه شعر روی بنر این است: پنج نفر بودیم، رو به سوی غربت، دل به سوی کردستان/ چهار جنازه بی‌روح آمدیم سمت شما/ یکی از ما در غربت بی‌نام‌ونشان ماند/ راه غربت سخت و گران بود/ دلمان همیشه سوی یاران بود/ سفر ناتمام ماند و پایان زندگی و بازگشتمان به سوی سرزمین بود... .

در باز می‌شود و آمبولانس‌ها پشت‌سر هم وارد محوطه می‌شوند. آدم‌ها دور تا دور هم ایستاده‌اند و از سرما می‌لرزند. در دو آمبولانس باز می‌شود؛ شیوا و آنیتا در یک آمبولانس هستند و رسول و آرمین در آمبولانس جلویی. جنازه‌ها داخل تابوت و کاوری مشکی آماده رفتن به سردشت شده‌اند. علی از آنها که تا گرگ‌ومیش منتظر آمدن خانواده‌اش شده‌اند، تشکر می‌کند و می‌گوید چشم به راه آرتین می‌مانند. وقتی که می‌خواهد سوار ماشین شود، از او می‌پرسم چیزی نداری که بگویی؟ اشک‌هایش را پاک می‌کند و می‌گوید: «برو آنجا که تو را منتظرند، قاصدک!

آمبولانس‌ها جلو حرکت می‌کنند و ماشین‌های عازم سردشت، یکی‌یکی صحنه را ترک می‌کنند و دقایقی بعد، صحنه برای همیشه تاریک می‌شود.

گزارش

دیپلماسی واکسن

• **شرق:** این‌روزها بحث واکسن کرونا داغ است و علاوه‌بر شرکت آمریکایی فایزر که از موفقیت‌آمیزبودن آزمایش واکسن خود خبر داد، چندین شرکت دیگر در روسیه، چین و اروپا هم از نزدیک‌شدن به مراحل پایانی واکسن یا ساخت آن سخن گفته‌اند. در این بین، موج قراردادها با شرکت آمریکایی برای دریافت واکسن آغاز شده و قرار است پس از آمریکا، محموله‌ای بزرگ به چندین کشور اروپایی هم ارسال شود و قراردادهایی در این زمینه هم بسته شد. در این بین، مسئولان ایرانی هم در تلاش هستند راهی برای دریافت سریع واکسن پیدا کنند، اما به نظر می‌آید تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا مشکلات فراوانی ایجاد کرده است. این موضوع زمانی جدی‌تر می‌شود که بدانیم پیش از این و درباره برخی داروهای دارای بازدهی مناسب در درمان کرونا، تحریم‌ها مشکلات فراوانی برای ارسال دارو به ایران ایجاد کردند و برای مثال، داروی رمدسیویر با وجود مخالفت دنیا با تحریم دارویی ایران، ماه‌ها به ایران فروخته نمی‌شد و شرکت تولیدکننده رسما دلیل این کار را ترس از تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا اعلام کرد. حالا اگرچه سازمان بهداشت جهانی اعلام کرده واکسن کرونا باید به همه کشورهای دنیا و به‌مثابه یک کالای غیرتجاری ارسال شود، ولی نگرانی‌ها همچنان درباره ارسال این واکسن به کشور وجود دارد. «هاشم مؤذن‌زاده»، مدیرمسئول پایگاه خبری پزشکان و قانون، در این یادداشت از ضرورت تلاش بیشتر برای دریافت و ارسال واکسن به کشور نوشته است:

در دسترس داشتن واکسن کرونا، یک حق مسلم بشری است که همه بشریت برای آن دارای حقی یکسان هستند و هیچ انسانی به‌علت جغرافیا، عقیده، نژاد و رنگ و نوع حکومتی که بر او حاکم است، نباید از این نعمت الهی که دانش برای بشر فراهم کرده، محروم بماند. ایران نیازی به کمک‌های انسان‌دوستانه ندارد، چون می‌تواند هزینه نیازمندی‌های مردم خود را پرداخت کند و ذخایر بسیاری برای هزینه‌کردن برای آن دارد که بخشی از آن، میلیاردها دلار پول بلوکه‌شده کشور است و هیچ قانون بین‌المللی وجود ندارد که خرید واکسن کرونا توسط آن منابع را منع کند. اما همه ما از آنچه بر ما می‌گذرد، مطلع هستیم و تنگناهای خودخواسته و دیگران‌ساخته را می‌شناسیم.

آنچه اینک و در بحبوحه کشتار کرونا در ایران و کنترل‌ناشده‌بودن آن باید تبدیل به اولویت نخست کشور شود تا بیماری ریشه ما را برنکند، تهیه واکسن به هر ترتیب و هر شیوه ممکن و از هر کشوری است که تولیداتش توسط مراجع پزشکی جهان تأیید شده باشد. مسئولان ایرانی اینک وظیفه انسانی، ملی، شرعی و قانونی دارند با فعال‌کردن یک اقدام هماهنگ فراجناحی و فراگروهی برای حفظ جان هزاران انسان بی‌گناه، سیاستی در پیش گیرند که می‌توان آن را «دیپلماسی واکسن» نامید.

مذاکره برای تهیه واکسن معتبر و مؤثر از هر منبع موثق در جهان و تسهیل خرید، انتقال و استفاده از آن برای میلیون‌ها ایرانی در خطر، به دکترینی ویژه و همتی متناسب با آن در موضوعی که تا به حال تجربه‌ای در آن نداشته‌ایم، نیاز دارد که وظیفه مطالبه آن با ما مردمان ایران و وظیفه طراحی و اجرای آن با سیاست‌گذاران است.

جلوگیری از مرگ روزانه صدها انسان ایرانی بی‌گناه، ارزشی بیش از هر مفهوم دیگری دارد و مسئولان کشور از هر تیره و تبار و خط و حزب باید به فعال‌سازی دیپلماسی واکسن اهتمام ورزند تا رنج ازدست‌دادن هم‌وطنان‌مان را با عبور از تنگناهایی قابل عبور کاهش دهیم. هرگونه تصویرسازی سیاسی از دیپلماسی واکسن، تنها نشانه‌ای از عدم درک از عمق مفهوم نجات انسان و مشغول‌شدن به مفاهیم سخیف قدرت است که دستاوردی جز مرگ بیشتر ایرانیان به‌همراه نخواهد داشت.

خبر

کرونا جان ۴۵۲ نفر دیگر را در ایران گرفت

ایرنا: سخنگوی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی گفت: با فوت ۴۵۲ بیمار دیگر از مبتلایان قطعی به کرونا در ۲۴ ساعت گذشته، شمار جان‌باختگان قطعی بیماری کووید ۱۹ در کشور به ۴۱هزارو ۳۴ نفر رسید و ۲۷ استان همچنان در وضعیت قرمز کرونا هستند. سیماسادات لاری روز گذشته درباره آخرین آمار مبتلایان قطعی به ویروس کرونا در کشور و موارد فوت ناشی از این ویروس افزود: در ۲۴ ساعت گذشته تا ظهر ۲۴ آبان ۱۳۹۹ براساس معیارهای قطعی تشخیصی، ۱۱هزارو ۲۰۳ بیمار جدید مبتلا به کووید ۱۹ در کشور شناسایی شد و دوهزارو ۵۰۹ نفر بستری شدند. با این حساب، مجموع بیماران کووید ۱۹ در کشور به ۷۴۹هزارو ۵۲۵ نفر رسید. سخنگوی وزارت بهداشت گفت: خوشبختانه تاکنون ۵۵۲هزارو ۷۴۷ نفر از بیماران، بهبود یافته یا از بیمارستان‌ها ترخیص شده‌اند. همچنین پنج‌هزارو ۶۴۲ نفر از بیماران مبتلا به کووید۱۹ در وضعیت شدید این بیماری تحت مراقبت قرار دارند و تاکنون پنج‌میلیون‌و ۴۶۴هزارو ۱۹۱ آزمایش تشخیص کووید ۱۹ در کشور انجام شده است. لاری افزود: استان‌های تهران، اصفهان، قم، آذربایجان شرقی، خراسان جنوبی، سمنان، قزوین، لرستان، اردبیل، خوزستان، کرمانشاه، کهگیلویه‌وبویراحمد، گیلان، بوشهر، زنجان، ایلام، خراسان رضوی، مازندران، چهارمحال‌وبختیاری، البرز، آذربایجان غربی، مرکزی، کرمان، خراسان شمالی، همدان، یزد و کردستان در وضعیت قرمز قرار دارند و استان‌های هرمزگان، فارس، گلستان و سیستان‌وبلوچستان نیز در وضعیت نارنجی و زرد قرار دارند.

۸ واکسن ایرانی کرونا در فهرست کاندیداهای واکسن سازمان جهانی بهداشت

ایلنا: رئیس مرکز روابط‌عمومی و اطلاع‌رسانی وزارت بهداشت اعلام کرد: هشت واکسن ایرانی کرونا در فهرست کاندیداهای واکسن سازمان جهانی بهداشت قرار گرفته است. کیانوش جهانپور، رئیس مرکز روابط‌عمومی و اطلاع‌رسانی وزارت بهداشت، در صفحه شخصی توییتر خود نوشت: هشت واکسن ایرانی کرونا در فهرست کاندیداهای واکسن سازمان جهانی بهداشت قرار گرفته و البته هشت واکسن ایرانی دیگر در آستانه ورود به این فهرست قرار دارد. تقریبا تمام استراتژی‌های احتمالی دستیابی به واکسن کووید ۱۹ در ایران از مرحله تولید آزمایشگاهی عبور کرده است.

« آگهی مناقصه عمومی یک مرحله ای به شماره ۹۹/۷۵/۲۳۵ »

سازمان راهداری و حمل و نقل جاده ای در نظر دارد مناقصه عمومی یک مرحله ای با موضوع خرید۴دستگاه سرور را با شماره ۲۰۹۹۰۰۳۰۱۲۰۰۰۰۲۱ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت و تحویل پاکات مناقصه از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.Setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی ، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. تاریخ انتشار در سامانه مورخ ۹۹/۰۸/۲۴ می باشد.

- مهلت دریافت اسناد مناقصه از طریق درگاه سامانه : ساعت ۱۵:۰۰ مورخ ۹۹/۰۸/۲۸
- مهلت ارسال پاکات از طریق درگاه سامانه : ساعت ۹:۰۰ مورخ ۹۹/۰۹/۰۹
- تاریخ بازگشایی پیشنهادات : ساعت ۱۰:۰۰ مورخ ۹۹/۰۹/۰۹
- مهلت ارسال پاکات الف (ضمانتنامه) بصورت دستی تا ساعت ۹:۰۰ مورخ ۹۹/۰۹/۰۹ به دبیرخانه مرکزی سازمان واقع در طبقه همکف آدرس مناقصه گزار در قبال اخذ رسید میباشد.
- اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزار : آدرس خ ولی عصر - نرسیده به میدان ولی عصر- خ دمشق - شماره ۱۷ و تلفن ۸۴۴۹۱۱۹۸
- اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه :

مرکز تماس ۲۷۳۱۳۱۳۱ دفتر ثبت نام : ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸

- اطلاعات تکمیلی در اسناد مناقصه می باشد.

دبیرخانه کمیسیون معاملات
سازمان راهداری و حمل و نقل جاده ای

م الف ۲۵۵۹